مروری بر

سلوک سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه اول نمازجمعه 1388/6/20

سلوک سیاسی امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)

- ویژگی
  - آمیخته و منبعث از معنویت و اخلاق
- نتیجه
  - وسیله شدن سیاست برای کمال مردم
- نتیجه فقدان
  - تبدیل سیاست‌ورزی به وسیله کسب قدرت و ثروت
    - آسیب
      - آفت شدن سیاست برای سیاست روز
      - آفت شدن برای مردم مواجه با این سیاست
- مؤیّد
  - معرفی حکومت توسط امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) با تعبیرات تحقیرآمیز
    - مصادیق
      - معرفی کردن حکومت بی‌ارزش‌تر از بند کفش وصله‌زده
      - معرفی کردن حکومت کم‌اهمیت‌تر از رطوبت عطسه بزغاله
        - روایت: «لألفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفه عنز»
    - علت قبول حکومت
      - اصرار مردم و اظهار آمادگی برای نصرت امیرالمومنین
        - روایت: «لو لا حضور الحاضر و قیام الحجّه بوجود النّاصر»
      - تکلیف عالمان بر سکوت نکردن مقابل سیری ظالم و تهیدستی مظلوم
        - روایت: «و ما اخذ الله علی العلماء ان لایقارّوا علی کظّه ظالم و لا سغب مظلوم»
        - شاهد امثال
          - قبول حکومت توسط امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)
          - مقاومت و حتی جنگ نظامی در مقابل کسانی که بغی کردند
- مصادیق
  - دوری سیاست‌ورزی از مکر و فریب
    - علت
      - تقوای امیرالمومنین
        - روایت: «لو لا التّقی لکنت ادهی العرب»
        - روایت: «والله ما معاویه بأدهی منّی»
    - اثر فقدان تقوی
      - باز بودن دست و زبان
        - مصداق: دروغ گفتن به مردم
        - مصداق: تهمت زدن
        - مصداق: دلبستگی به دشمنان صراط مستقیم
    - اثر تقوی
      - پاکیزگی سیاست‌ورزی و دوری از حیله‌گری و کارهای کثیف
    - آسیب‌شناسی
      - تبلیغ جدائی دین از سیاست در دنیای اسلام
        - آسیب: جدایی سیاست از اخلاق و معنویت و غیراخلاقی شدن آن
        - آسیب: بر پایه همه محاسبات مادی و نفع‌طلبانه قرار گرفتن سیاست
  - مدارا با دشمنان و مخالفان تا حدّ امکان
    - تذکّر
      - سه جنگ دوران حکومت پس از انجام همه مداراهای لازم با مخالفان بود
    - مصادیق
      - نصیحت افراد مُصِرّ در یکسره کردن تکلیف دشمنان، به صبر
      - تأخیر در شروع جنگ صفین
      - صبر و نصیحت در مقابل اهل جمل
  - استدلال با مخالفان
    - مصادیق
      - استدلال در غلط بودن روش معاویه در نامه‌های نوشته شده به او
        - اهمیّت: دشمنی شدید بین معاویه و امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)
        - اهمیّت: اهانت و حرف‌های خلاف معاویه در نامه‌ها
      - استدلال با طلحه و زبیر هنگام حرکتشان به سمت مکّه
        - محورها: چیز کوچکی را وسیله اختلاف قرار دادید
        - محورها: نقاط مثبت فراوان را نادیده گرفتید
        - محورها: دم از دشمنی می‌زنید و من دنبال دشمن نیستم
    - نقطه‌ی پایان
      - نمایش قاطعیت علوی در صورت اثر نکردن این مدارا
        - مصداق: رفتار امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) با خوارج
  - متوسل نشدن به ظلم و دروغ برای پیروزی
    - مصداق: مخالفت با ملاحظه متنفذین و سهم بیشتر آن‌ها از بیت‌المال
      - توجیه: جلب دل‌های متنفذین و مخالفت نکردن آن‌ها
      - روایات: «أ تأمروّنی ان اطلب النّصر بالجور»
      - روایات: «والله لا اطور به ما سمر سمیر و ما أمّ نجم فی السّماء نجما»
      - علّت: ناممکن بودن جلب دوستی کسی با شیوه‌های غیراسلامی و ظلم
  - درخواست جدی از مردم برای چاپلوسی نکردن در برخورد با او
    - مصداق: نصیحت کسی که از خطبه‌ی بلیغ امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) تعریف و تمجید کرد
      - عبارات: «فلا تکلّمونی بما تکلّم به الجبابره»
      - عبارات: «ولاتتحفّظوا منّی بما یتحفّظ به عند اهل البادره»
      - عبارات: «ولاتخالطونی بالمصانعه و لا تظنّوا بی استثقالا فی حق قیل لی»
  - تفاوت قائل شدن بین معارضین
    - مصداق: تفاوت برخورد امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) با خوارج و معاویه
      - تذکر: ایستادگی امیرالمومنین در مقابل انحراف و توسل به ظواهر دینی توسط هرکس
      - مصادیق: ایستادگی در مقابل فریب بر نیزه کردن قرآن
      - مصادیق: ایستادگی در مقابل انحراف و توسل به ظواهر دینی توسط هرکس
      - مؤیّد: سفارش امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) مبنی بر اینکه بعد از من با خوارج نجنگید
      - علّت: تفاوت میان خطای جاهلانه کسی که دنبال حق است با خطای دنباله‌رو باطل

امیرالمؤمنین این حکومتی را که در آن سه جنگِ مفصل نظامی با هزارها کشته اتفاق افتاد با تعبیراتی معرق میکند که نشاندهنده‌ی تحقیر او نسبت به این حکومت است. یك وقت او را از بند کفش کهنه‌ی وصله‌زده‌ی خود بی‌ارزشتر معرق میکند. یکجا درباره‌ی همین حکومت میفرماید: «لألفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عفطة عنز»؛ آن رطوبتی که از عطسه‌ی یك بزغاله حاصل میشود چقدر ارزش رطوبتی و حیاتی دارد؟ هیچ. میفرماید: این حکومت، این قدرت، نشستن بر این اریکه برای علی، از این کمتر و کم‌اهمیت‌تر است.

یك جا در همان خطبه برای اینکه چرا این حکومت را قبول کرد، استدلال میکند: «لو لا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود النّاصر»؛ دیدم مردم آمدند، اصرار میکنند، نصرت خودشان را عرضه میکنند، قبول کردم. باز در مقام استدلال: «و ما اخذ اللّه علی العلماء ان لایقارّوا علی کظّة ظالم و لا سغب مظلوم»؛ میفرماید: خدای متعال بر عالمان، بر دانایان عالم، تکلیف معین کرده است که بر سیری ظالم و تهیدستی و گرسنگی مظلوم صبر نکنند، تحمل نکنند. اینهاست چیزهائی که امیرالمؤمنین را به سمت حکومت میکشاند، یا در مقابل کسانی که علیه او بغی میکنند، به مقاومت، به ایستادگی، به حتّی جنگ نظامی میکشاند؛ والّا حکومت برای امیرالمؤمنین ارزشی ندارد.

KHAMENEI.IR